

پیام امام رضا علیه السلام به شیعیان توسط حضرت عبدالعظیم علیه السلام

سخنران: حجت الاسلام و المسلمین قرائتی

بسم الله الرحمن الرحيم الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی

من یک خرده راجع به عبدالعظیم حسنی می خواهم صحبت کنم. مهم تر از خودش یک پیامی امام رضا به حضرت عبدالعظیم داده است. فرموده این پیام را به شیعیان من بگو. پیامی است که نسخه ی شفا بخش همین امروز ما است. پیام امام رضا علیه السلام است.

الف) شخصیت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام

۱- درک محضر چهار امام بزرگوار (علیهم السلام)

ایشان در مدینه به دنیا آمد و به سامرا رفت و چهار امام را درک کرد. خدمت امام رضا علیه السلام رسید. که حالا پیام امام رضا را برای شما می خوانم. بعد از امام رضا خدمت امام جواد رسید. خدمت امام هادی رسید، خدمت امام عسگری هم رسید.

اینکه می گویند: عبدالعظیم حسنی چون از نسل امام حسن مجتبی است. و به قول مرحوم صدوق شهید شد، تحت تعقیب بود. غریب بود. هفت هشت امتیاز ایشان دارد. غریب بود. چون فراری بود. محرمانه کار می کرد. و پرچم دار مکتب اهل بیت بود.

بسیاری از علوم ما و روایات ما از طریق حضرت عبدالعظیم حسنی به ما رسیده است. یعنی واسطه ی فرهنگی و میراث فرهنگ ما است. عالم بود و محدث بود. این خصوصیات ایشان است. و کسی هم نمی شناخت ایشان چه کسی است. فقط وقتی رفتند بدنش را در خاک کنند، بعد از شهادت دست در کیسه اش کردند. یک کاغذی در آوردند. در کاغذ نوشته بود من چه کسی هستم. یعنی این رقمی در خفا مکتب را ترویج می کردند.

یک نفر از شهر ری خدمت امام هادی رفت. پرسید از کجا آمدی؟ گفت: من شهر ری هستم. فرمود: شما که زیارت عبدالعظیم بکنی. ثواب زیارت کربلا دارد. برای هیچ امامزاده ای یک چنین ثوابی نشده است. بین امامزاده ها حضرت عبدالعظیم چه خصوصیتی دارد که ثواب زیارت عبدالعظیم ثواب زیارت کربلا دارد.

حضرت امام آن زمانی که جزء علما و مدرسین بود و هنوز مثلاً خیلی مشهور نبود ایامی که یکی از برنامه ها زیارت امام حسین است، مثلاً شب قدر یا شب نیمه شعبان، شب هایی که یکی از کارهایش زیارت امام حسین علیه السلام است حضرت عبدالعظیم می رفت.

یکی از دوستان ما که پیش نماز حضرت عبدالعظیم است آقای عظیمی الان هم امام جماعت است در مصلائی حضرت عبدالعظیم، از دوستان ما است. می گفت که یکی از بزرگان به من رسید گفت: یک خوابی برای تو دیدم. گفتم: چه خوابی دیدی؟ گفت: خواب دیدم شما پیش نماز حرم امام حسین شدی. می گفت: او نمی دانست که من پیش نماز حرم عبدالعظیم هستم. البته من عقیده به هر خوابی ندارم. اما بعضی خواب ها فتوکپی حدیث است. یعنی هرچه در حدیث آمده در خواب هم همان است.

۲- عرضه عقاید دینی بر امام هادی (علیه السلام)

می خواهم دو کار مهم را برای شما بگویم. یکی اینکه ایشان عقاید خودش را به امام هادی عرضه کرد.

حضرت عبدالعظیم حسنی نزد امام دهم آمد. گفت: من عقیده ام راجع به خدا این است. راجع به پیغمبر، راجع به معاد، راجع به کتاب، یک دوره عقایدش را گفت. و حضرت فرمود که: «هَذَا وَاللَّهِ دِينُ اللَّهِ» و الله قسم دین خدا همین است که تو گفتی. «الَّذِي ارْتَضَاهُ لِعِبَادِهِ» آن دینی که خدا از مردم «وَرَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده/۳) آنچه خدا می خواهد همین است. «أَنْتَ وَلَيْنَا حَقًّا» (بحار الانوار/ج ۳/ص ۲۶۸) حقاً تو ولی ما هستی.

این خودش یک درس است. شما نگو: عقیده من این است. ممکن است عقیده ات غلط باشد. من فلانی را قبول دارم. باسمه تعالی بیخود قبولش داری. من از کسی پرسیدم تو مقلد چه کسی هستی؟ گفت: مقلد فلان آقا! گفتم: آدم مُلایی است اما به چه دلیل ایشان مرجع است؟ آخر هیچ کس تقلیدش را نمی کند. گفت: من دوستش دارم. گفتم: ای بابا! در سفر حج یک خانمی را دیدم گفتیم: شما مقلد چه کسی هستی؟ گفت: من تقلید نمی کنم. یک عارفی هست مرید او هستم. گفتم: تو اگر شیعه هستی، و مسلمان هستی نمی توانی دنبال یک عارف بروی. مگر آنکه آن عارف فقیه هم باشد. اگر فقیه است طوری نیست اما عارف بودن مبنا نیست. اینکه من دوستش دارم. حرف هایم را از این می گیرم.

افرادی به خود بنده گفتند: آقای قرائتی زنگ زده می گوید: هرچه تو بگویی من قبول می کنم. می گویم: آقا این یک مسأله ی فقهی است. باید به مرجعت مراجعه کنی. تو بیخود مرید من شدی. می گوید: من تو را قبول دارم. گفتم: باسمه تعالی بیخود من را قبول داری. من به عنوان معلم درس هایی از قرآن مخلص شما هستم. اما یک مسأله ی فقهی را باید بینی مرجع تو چه می گوید. آقا من خودم تشخیص می دهم خصم را به فلانی بدهم. سهم امام را هم به فلانی بدهم. من اصلاً کمک به فقرا می کنم. کاری به آخوندها ندارم. مثل اینکه کسی بگوید من کاری به آمپول زن ها ندارم. خودم آمپول را در بدنم می زنم. خوب کجا می زنی؟ اینکه انسان هر عقیده ای دارد باید عقیده اش مبنا داشته باشد. شما هندوانه را با کیلو وزن می کنی. هوا را با هواسنج، پارچه را با متر، بالاخره هر چیزی. پایه را با شاقول، خط را با خطکش. هر چیزی یک میزانی دارد. شما به چه دلیل این عقیده ات درست است؟ مقاومت هم روی عقیده ی خودش می کند. می گوید: نه من این را دوست دارم، حالا هم دوستش دارم. هرچه دلش می خواهد بگوید، بگوید. مبنا دارد. ممکن است آدم یک کسی را بیست سال دوستش داشته باشد، در یک لحظه باید قیچی کنیم.

۳- برخورد امام باقر (علیه السلام) با ناسزا به نامسلمان

امام باقر علیه السلام دید یکی از یارانش به نوکرش فحش مادر داد. یکی از یاران امام باقر علیه السلام به نوکرش گفت: برو مادر فلان! امام باقر گفت: چه گفتی؟! گفت: آقا این مادرش مسلمان نیست. من فحش مادر دادم اما این مادرش مسلمان نیست. فرمود: تو حق داری به یک زن غیر مسلمان فحش بدهی؟ بگویی: زنا کار! امام باقر فرمود: بیست سال است با تو رفیق هستم. الآن قیچی شد. رفاقت قیچی دارد. ممکن است آدم یک رفیق چهل ساله داشته باشد. در یک لحظه باید قیچی کند. بگذارید قرآن بخوانم. قرآن می گوید: «فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ» (توبه/۱۱۴) همین که روشن شد که عموی ابراهیم کج می رود، گفت: من از تو جدا هستم. اسلام مرز دارد. تا کجا؟ قرآن یک آیه دارد می گوید: «لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ» (توبه/۲۳) بابایت را هم اگر دیدی کج می رود. احسان به او بکن.

«وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره/۸۳) ولی اطاعت نکن. محبت بکن. روابط عاطفی، پدرت اگر کافر هم هست روابط عاطفی محفوظ باشد، اما هرچه گفت نباید گوش بدهید. بابا منحرف است. مادر منحرف است. اینطور نیست که چون فامیل هستیم. با هم نان و نمک

خوردیم. از ما توقع دارد. ایشان صلاحیت ندارد به او رأی بدهید. رأی نده. آخر از ما دعوت کرده است. فامیل هستیم. در دانشگاه هم دوره بودیم. سید است. شیخ است. آخوند است. همشهری است. هم محله ای است. اینها هیچ کدام ملاک نیست. ابولهب عموی پیغمبر است. قرآن می گوید: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ» (مسد/۱) ما باید عقایدمان معنا داشته باشد. این حضرت عبدالعظیم است که نزد امام هادی رفت. امام دهم، گفت: آقا من یک دوره عقاید را می گویم عقاید را چک کنید. عقیده ی من این است. عقیده ی شما مبنایش چیست؟ چه کسی گفت: عقیده ات درست است؟ استدلال شما چیست؟ خوب.

ب) پیام امام رضا علیه السلام به شیعیان

۱- شیطان را بر خود راه ندهند و راست بگویند

اما پیام امام رضا. خیلی پیام مهمی است. انکار این شفای دردهای امروز جامعه ی ما است.

بسم الله الرحمن الرحيم. امام رضا پیام می دهد. واسطه چه کسی است؟ عبدالعظیم حسنی.

«أَبْلَغُ عَنِّي أَوْلِيَانِي (السَّلَام) سلام مرا به شیعیان و دوستان ما برسان.

«وَقُلْ لَهُمْ» به آنها بگو «لَا يَجْعَلُوا لِلشَّيْطَانِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ سَبِيلًا» (مستدرک/ ج ۹/ ص ۱۰۲) راه شیطان را بر خودشان باز نکنند. این ماهواره راه شیطان است. این سی دی راه شیطان است. این رفیق راه شیطان است. این کتابی که آمد راه شیطان است. این علایقی که با فلانی پیدا کردی این راه شیطان است.

«لَا يَجْعَلُوا لِلشَّيْطَانِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ سَبِيلًا» یعنی شیطان را در روحشان نفوذ ندهند.

از طریق علایق شخصی، کتاب، فیلم، مجله، دوست و غیره. مال حرام! یک درآمد حرام است. این درآمد حرام برای شیطان است. چون درآمد حرام هم خودت را خراب می کند، هم نسل تو را. «كَسَبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الدَّرِيَّةِ ي» (کافی/ ج ۵/ ص ۱۲۴) نگو: آقا یک راهی پیدا شده درآمد خوبی دارد. بله راهی پیدا شده، درآمد هم است، اما این درآمد حرام است.

«مُرَّهُمْ بِالصِّدْقِ فِي الْحَدِيثِ» بگو: راست بگویند. حرف که می زنند راست بگویند. این رنگش می رود یا نمی رود؟ بگو: رنگش می رود. یک مهمان منزل ما آمد. خدا همه ی

اموات را رحمت کند. پدرم به او گفت: غذا خوردی؟ گفت: بله حاج آقا! آقای من گفت: راست می گویی یا دروغ؟ گفت: دروغ! راست بگویند. حرف می زنیم راست بگویم. بازاری راست بگوید. بنا راست بگوید. نجار راست بگوید. معلم راست بگوید. همه بگویند: بلد نیستم. سؤال از من می کنی؟ راستش را می خواهی بلد نیستم. «قُلْ» به مردم بگو. «إِنْ أَدْرَى» (جن/۲۵) به پیغمبر می گوید: به مردم بگو: «إِنْ أَدْرَى» بلد نیستم. خدا به پیغمبر می گوید: بگو بلد نیستم. چه اشکالی دارد؟ آقا من این را نمی دانم. واری می کنم می بینم. «وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ» امام رضا فرمود: به مردم بگو: خیانت به امانت نکنند.

۲- وظیفه ی معلمان و اساتید در تربیت جوانان

آموزش پرورشی نمی تواند بگوید: من معلم هستم. یا دبیر هستم. باید بگوید: ۱۴ میلیون بچه در اختیار من است و اینها امانت هستند. اینها سرمایه هستند. سرمایه دار کسی نیست که سکه و برج و قالی دارد. سرمایه دار کسی نیست که مزرعه و خانه و ماشین دارد. سرمایه دار کسی است که مخ در اختیار دارد. الآن می دانید در ایران یکی از سرمایه دارها بنده هستم. چرا؟ برای اینکه شب جمعه وقتی حرف می زنم، میلیون ها، صدها هزار نفر مخ در اختیار حرف های من است. آن کسی که مغز مردم را دارد سرمایه دار است. نه آن کسی که طلا دارد. آموزش و پرورشی ها قدر خودشان را داشته باشند. اساتید دانشگاه، منبری ها، قلم به دست ها، فیلم سازها که با یک فیلم افرادی را پای تلویزیون می نشانند. هرکس مغز را در اختیار دارد، سرمایه، مغز مردم است. قالی که پشم است و ابریشم جماد است. طلا جماد است. جماد داشتن سرمایه نیست. انسان داشتن جماد است. یقوت خودتان را با یک آموزش و پرورشی ها خودشان را با اداره ی دخانیات مخلوط نکنند. اداره ی دخانیات دود را به ریه ها می رساند. آموزش و پرورش و دانشگاه علم به مغز می رساند. فرق است بین کاری که علم به مغز برسانیم یا دود به ریه برسانیم.

بله ممکن است شما اداره ی دخانیات باشی حقوقت بیشتر شود. باجناب من، برادر خانم من اداره ی دخانیات است حقوقش فلان بیشتر از من است. بله، خوب او چه می کند. تو چه می کنی؟

امام رضا علیه السلام فرمود: عبدالعظیم به شیعیان من بگو:

- ۱- حرف هایشان راست باشد.
- ۲- امانت را خیانت نکنند.
- ۳- «مُرَّهُمْ بِالسُّكُوتِ وَ تَرَكَ الْجِدَالَ فِيمَا لَا يَغْنِيهِمْ» بگو حرف نزنند.

مگر لازم است هرچه است در اینترنت بیاید؟ مگر لازم است هرچه هست بنویسیم. حرف نداری نزن. جدال نکنید. چیزهایی که اطلاعات شما عمیق نیست و بصیر نیست چانه نزنید. می نشینیم که آقا این سالن چند متر است؟ یکی می گوید: چهارصد متر! می گوئیم: نه! سیصد متر هم نیست. بابا حالا! خانه ی فلانی چند می ارزد؟ چه کار داری که خانه ی مردم را قیمت می کنی؟

بگو که حرف هایی را که به دردشان نمی خورد، نگویند.

۳- صله رحم و دیدار مومنین با هم

«وَإِقْبَالَ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ وَ الْمُرَاوَرَةَ ي» بگو دیدن همدیگر بروند. در جامعه قهر نکنند.

الآن جامعه ی ما تکه تکه شده است. خطهای سیاسی حتی افطاری ها سیاسی شده است. وقتی یک آقا افطاری می دهد، یکی از آن جناح دعوت نمی کند. آن جناح هم افطاری می دهد، یکی از آن جناح دعوت نمی کند. یعنی حتی خط سیاسی در خرما و شله زرد افطاری هم نفوذ کرده است. بگو دیدن همدیگر بروند. «مُزاوره» زیارت کنند.

«فَإِنَّ ذَلِكَ قُرْبَةٌ إِلَىٰ» امام رضا فرمود: دیدن همدیگر که می روید، به من نزدیک می شوید.

ولو سلیقه های شما مختلف است. اما کنار هم می نشینید من لذت می برم. مثل بابایی که نگاه می کند می بیند بچه هایش دارند با هم با محبت حرف می زنند. اصلاً اگر خواستید ببینید بهشتی هستید یا جهنمی، علامت بهشتی ها این است که به هم درود می گویند. «إِلَّا قِيلاً سَلَاماً سَلَاماً» (واقعه/۲۶) سلام سلام سلام! همه با هم. اما اگر دیدید به هم فحش می دهند. قرآن می گوید: اینها جهنمی هستند.

۱- دوری از تفرقه و تخریب شخصیت یکدیگر

«كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا» (اعراف/۳۸) این به او لعنت می کند، او به او لعنت می کند. وقتی جامعه بد شد، اصلاً دیگر هر حرفی بزنی کسی گوش نمی دهد. همه ی حرف ها را تحلیل سیاسی می کنند. یک جمله هست من سی سال است قبل از سخنرانی هایم می گویم. برای من نیست برای امام زین العابدین است.

دعای مکارم الاخلاق است. می گوید: «الهی انطقنی بالهدی» یعنی نطق من هدایت شود. «والهمنی التقوی» یک کسی گفت: می دانید این قرائتی برای چه می گوید «الهی انطقنی بالهدی»؟ چون یکی از نوه هایش هدی است. یکی از نوه هایش هم الهام است. می گوید: «الهی انطقنی بالهدی و الهمنی» اسم نوه هایش را می برد. ای بی انصاف ها! آخر من چیزی که به ذهنم نیامده تحلیل می کنند. می دانی چرا دور او شلوغ است؟ می دانی چرا رأی آورد؟ می دانی چرا نمی دانم کاسبی او گرفت؟ می دانی چرا خانه اش گران شد؟ می دانی چرا شرککش موفق شد؟ همینطور می نشینند.. می دانی چرا فلانی خانه ی فلانی رفت؟ روحش خبر ندارد. همینطور می نشینند.

امام رضا علیه السلام به عبدالعظیم حسنی فرمود: به شیعه ها بگو بروند دیدن همدیگر. «فَإِنَّ ذَلِكَ قُرْبَهُ يُّ إِلٰی» اگر می خواهید به من نزدیک شوید، دیدن همدیگر بروید.

«وَلَا يَشْغَلُوا أَنْفُسَهُمْ بِتَمْزِيقِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا» «تَمْزِيقٌ»، «كُلُّ مُمَزَّقٍ» (سبا/۷) در قرآن است. «تمزیق» یعنی تخریب. «وَلَا يَشْغَلُوا أَنْفُسَهُمْ بِتَمْزِيقِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا» همدیگر را خراب نکنید.

«وَلَا يَشْغَلُوا» مشغول نکنید «تَمْزِيقِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا» او این را خراب می کند. این او را خراب می کند. همدیگر را خراب نکنید. اگر کسی به شما بگوید من شما را مکه می برم به شرطی که یک لجن به کعبه بمالید. هیچ کس حاضر نیست. امام صادق فرمود: کعبه عزیز هستی. بعد فرمود: آبروی مؤمن از تو هم عزیزتر است. چطور حاضر نیستی لجن به کعبه بمالی؟ خوب لجن به آبروی مردم هم نمال. هرچه دلت می خواهد بگویی.

هرکس هرچه می خواهد می گوید. من نه وزیر هستیم. نه وکیل هستیم. نه سفیر هستیم. یک معلم قرآنی هستیم. منتها مشهور هستیم. اینقدر کارخانه به من وصل می کنند که من ذره ای در آن شرکت ندارم. مزرعه، این برج برای فلانی است. این پاساژ، مرغداری، گاوداری، من همه چیز دارم خودم هم نمی دانم. حالا اینکه طوری نیست. من چند تازن دارم خودم نمی دانم. (خنده حضار) چون پلیس جلوی خانم را گرفته گفته: چرا یک طرفه می روی؟ می گوید: به شما ربطی ندارد. من خانم آقای قرائتی هستم. (خنده حضار) او را بگیرید. همینطور می گویند. حالا من اصلاً کسی نیستم. حالا خراب هم شوم در انتخابات اینکه رأی بخواهم... من یک معلم قرآن هستم. ولی مردم ول نمی کنند. هرچه دلشان بخواهد می گویند. هرچه دارم برای همه ی مردم جز خانه ای که در آن نشستم.

همینطور می گویند: این کارخانه برای چه کسی است. نه که حالا ندارم. از اول عمرم تا حالا با کسی شریک نبودم. آخر ممکن است بگویند: تا دیروز شریک بوده فروخته،

در تلویزیون آمده می گوید: من شریک نیستم. نه از اول عمرم تا حالا با کسی هیچ شراکتی نداشتم. حالا از همه گذشته آبروی من دست تو نیست. فکر می کنی اگر غیبت بکنی من خراب می شوم؟ اتفاقاً هیچ طوری نمی شود. ۴۳ تا رادیو این همه تهمت زدند، طوری نیست. چون خدا قول داده می گوید: **«إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»** (حج/۳۸) خدا از مؤمن دفاع می کند. من اگر «الَّذِينَ آمَنُوا» باشم خدا از من دفاع می کند. من کسی هم نیستم. ما چه مسئولین عزیزی در مملکت داشتیم، الکی الکی خراب شدند. بردند، خوردند. بیا ببینیم پرونده اش کجاست؟ پرونده اش کجاست؟ به چه دلیل می گویی برد؟ چه کسی ثابت کرده است؟ آبروی همدیگر را نبرید.

۲- نفرین امام رضا علیه السلام به خاطر ریختن آبروی مؤمن

«فَأَنِّي آتَيْتُ عَلَى نَفْسِي أَنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ وَاسْخَطَ وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي دَعَوْتُ اللَّهَ لِيُعَذِّبَهُ»

امام رضا فرمود: من نفرین می کنم به کسی که آبروی شیعیان را بریزد. تعهد کردم.

که کسی که آبروی مؤمنی را بریزد، «دَعَوْتُ اللَّهَ» دعا می کنم، که چه؟ «لِيُعَذِّبَهُ فِي الدُّنْيَا أَشَدَّ الْعَذَابِ» در دنیا به زندگی نکبتی گرفتار شود، «وَكَانَ فِي الْآخِرَةِ مِنْ الْخَاسِرِينَ» خیلی امام رضا دلش درد می آید.

امام رضا به عبدالعظیم حسنی فرمود: به شیعیان من بگو آبروی همدیگر را نریزید. من امام رضا نفرین کردم به کسی که آبروی کسی را بدون دلیل بریزد. تازه دلیل داری، شما حق نداری آبروی او را بریزی. باید به قوه قضاییه بگویی: بابا این پرونده! برد و خورد و هرچه دلیل داری از مسیرش اقدام کنید.

در اینترنت نمی شود گفت: بله! آقا در سایت ها آمده! باسمه تعالی سایت غلط کرده است. مگر سایت عادل است؟ آن کسی که این را وارد سایت می کند دروغ گفته است. دیروز گفتند: آقا در سایت راجع به فلان چیز چنین گفته است. من زنگ زدم. گفت: آقا اصلاً خریدی از ما نکرده است. فلان وزارت با فلان تأسیسات فلان معامله را کرده است. من به رییس هر دو زنگ زدم گفت: والله دروغ است. گفتیم: در سایت آمده است. گفت: خوب سایت دروغ می گوید. به رییس سایت زنگ زدم که آقا، دین داری یا

نداری؟ چه چیز گیر تو از این تهمت‌ها می‌آید؟ امام رضا فرمود: من تعهد کردم نفرین می‌کنم به کسی که آبروی شیعه را بربزد. «وَعَرَّفَهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ عَفَرَ لِمُحْسِنِهِمْ وَتَجَاوَزَ عَنْ مُسِيئِهِمْ إِلَّا مَنْ أَشْرَكَ بِهِ» خداوند خوب‌ها را می‌بخشد، از بد‌های شیعیان بد هم می‌بخشد، مگر کسی که یا مشرک باشد، «أَوْ آذَى وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي»

الله اکبر! امام رضا فرمود: خدا همه‌ی شیعیان را می‌بخشد جز دو رقم شیعه! شیعه‌ای که مشرک شود. شیعه‌ای که مؤمنی را اذیت کند. «آذَى وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي» شب جمعه‌ای است که شب شهادت حضرت عبدالعظیم حسنی است. پیام از امام رضا دارد. امام رضا فرمود: خدا شیعه را می‌بخشد جز دو گروه! شیعه‌ای که مشرک شود، «أَشْرَكَ بِهِ»، «أَوْ آذَى وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي»، «أَوْ أَضْمَرَ لَهُ سُوءًا» یا در دلش بدخواه باشد. اصلاً دلش بخواهد فلانی خراب شود. یعنی در دلش بدخواه باشد. «فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ لَهُ حَتَّىٰ يَرْجِعَ» خدا یک چنین آدمی را نمی‌بخشد، جز اینکه از اذیت کردن برگردد. «وَإِلَّا نَزَعَ رُوحَ الْإِيمَانِ عَنْ قَلْبِهِ» کسی که مؤمنی را اذیت کند، مؤمنی را تخریب کند «نَزَعَ رُوحَ الْإِيمَانِ عَنْ قَلْبِهِ» خداوند روح ایمان را از قلبش می‌گیرد.

کار به آیت الله و فوق دیپلم و لیسانس و دکتر ندارد. کسی که در دلش بدخواه است. یعنی دوست دارد، قلباً دوست دارد فلانی خراب شود.

شما به من رسیدی می‌گویی: آقای قرائتی من برنامه‌های تو را گوش می‌دهم. باقی آخوندها را گوش نمی‌دهم. تا می‌گویی: باقی آخوندها را گوش نمی‌دهم اگر در دلم خوشم می‌آید معلوم می‌شود من دین ندارم. حالا تو برنامه‌ی مرا گوش می‌دهی، متشکرم! چرا باقی‌ها را می‌گویی، نه من باقی‌ها را خاموش می‌کنم. بگو: نه خوب باقی‌ها هم سواد دارند. باقی‌ها خیلی‌ها ایشان سوادشان از من بیشتر است. سابقه‌ی انقلابی‌شان، علمی‌شان بیشتر است. حالا ممکن است من گاهی در حرف‌هایم یک چیزی می‌گویم، لبخندی می‌زنند. یا روی تخته سیاه می‌نویسم. حالا به یک دلیلی مثلاً چهار نفر پای بحث من می‌نشینند، اما اینکه فلانی را خاموش می‌کنی، و من از اینکه شما به من می‌گویی آن را خاموش می‌کنم، خوشحال می‌شوم. این خوشحالی‌اش بد است. مدرسه‌ی تو خوب مدرسه‌ای است. مدرسه‌های دیگر را ول کن. شعر تو خوب است. باقی را ول کن. غذای فلانی خوب است، باقی‌ها را ول کن. یعنی کسانی که لذت می‌برند از اینکه دیگران سقوط می‌کنند. و خودشان مطرح می‌شوند «نَزَعَ رُوحَ الْإِيمَانِ عَنْ قَلْبِهِ»، «وَخَرَجَ عَنْ وَكَايَتِي»

امام رضا فرمود: اینها از ولایت اهل بیت بیرون هستند. «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ نُصَيْبٌ فِي وَلَائِنَا» در ولایت ما هیچ نصیب و بهره ای ندارند. «وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ» پناه می برم که کسی به اینجا رسیده باشد. چطوری آدم از دین خارج می شود؟

سؤال و جواب. چگونه از دین خارج می شویم؟ مشرک بشویم. مؤمنی را بدون دلیل خراب کنیم. خراب کردن مسلمان خروج از مدار ولایت است. امام رضا نفرین می کند. «لِيُعَذَّبَهُ فِي الدُّنْيَا أَشَدَّ الْعَذَابِ» سخت ترین عذاب، یعنی در دنیا یک بلای بدی گرفتار می شود. اینها همه نتیجه ی تخریب است. آغاز سال است همدیگر را تخریب نکنیم. اگر یک چیزی شنیدیم بگوییم: آقا چرا به من می گویی؟ سند داری برو به دادگستری بگو. دادگاه بگو. سند نداری چرا در اتاق به من می گویی؟ حرف های شما یا با دلیل است، یا بی دلیل. اگر با دلیل است، چرا دادگستری نرفتی؟ اگر بی دلیل است، چرا در این اتاق می گویی؟ یک کسی آمد پهلوی یک کسی گفت: آقا فلان جا آش می پزند. گفت: خوب پزند. به من چه؟ گفت: آخر برای تو می پزند. گفت: اگر برای من می پزند به تو چه! آش می پزند به من چه. برای من می پزند به تو چه! دلیل داری چرا در اتاق من می گویی؟ برو دادگستری بگو. دلیل نداری چرا باز به من می گویی؟ یک زنی را به یک شوهر کوری دادند، این خانم هر شب می نشست. می گفت: آقا نمی دانی من چقدر قشنگ هستم. اگر بدانی چه صورتی دارم. اگر بدانی من چه شکلی دارم.

این زن هر شب از زیبایی خودش برای این مرد می گفت. یک شب شوهر خسته شد. گفت: خانم چند ماه است هر شب که کنار من می نشینی از زیبایی های خودت می گویی. من که چشم ندارم بینم. اما اگر تو اینقدر خوشگل بودی چشم دارها تو را برده بودند. همین که تو را برای من گذاشتند پیداست خوشگل نیستی.

حالا افرادی هستند می آیند مثلاً سر کلاس، معلم استاد دانشگاه است. یا در یک جلسه ای می آید می گوید: فلانی چه کرد و چه کرد و چه کرد. می گوییم: آقا بین اگر تو واقعاً دلیل داری، خوب برو نزد قاضی این حرف ها را بگو. بگو: آقا پرونده اش این است. همین که به من می گویی پیداست خوشگل نیستی. همین که آمدی به من می گویی، خوب من نه قاضی هستم، نه دادستان، نه تو پرونده دست است. پس پیداست حرف تو پایه ندارد. اگر حرف تو پایه دارد، قوه قضاییه است. اگر هم پایه ندارد، چرا به من می گویی؟ اصلاً دلیل اینکه این حرف ها را در سایت می نویسند به جای اینکه به قوه

ی قضایه بگویند: فلانی برد و خورد و فلان قرارداد، فلان معامله، همین که می گویند. به هر حال.

امام رضا علیه السلام پیغام داد، آبروی همدیگر را نریزید. آبروی همدیگر را بریزید، نفرینتان می کنند. از ولایت خدا دور هستید. در همین دنیا عذاب شدید می شوید. در آخرت نصیبی ندارید. آبرو ریختن خیلی خطر دارد. این نکته ای است که امام رضا فرمود از طریق عبدالعظیم حسنی.

خوب خدایا هرچه آبروی کسی را ریختیم گذشته ی ما را ببخش و بیامرز. یک تقوایی به ما بده که آبروی همدیگر را حفظ کنیم. آبرو ریختن مثل خوردن گوشت مرده است. گوشت زنده را بکنی جایش پر می شود. اما گوشت مرده جایش پر نمی شود. ولذا قرآن گفته: غیبت این است که گوشت مرده را بخوری. گوشت مرده از مرده بکنی، جایش پر نمی شود. آبرو هم که ریخت، پول گم شود جایش پیدا می شود. خانه خراب شود ساخته می شود. ولی آبرو که رفت دیگر جایش پر نمی شود. ولذا قرآن آبرو ریختن را مثل کندن گوشت مرده و خوردن گوشت مرده می داند. ما خیلی مرده خوری می کنیم. گرگ، گرگ را نمی خورد. اما آدم ها همدیگر را گاز می گیرند. مواظب باشیم بی خود دین فروشی نکنیم. هرکس دلیل دارد قوه ی قضایه. هرکس دلیل ندارد، بگوید: آقا من چون دلیل نیست از اینکه حرف های شما را گوش بدهم معذور هستم. هر سائیتی را نبینید. هر روزنامه ای را نخوانید. هر حرفی را گوش ندهید. قرآن می گوید: «إِنَّ السَّمْعَ» گوش، «وَالْبَصَرَ» چشم، «وَالْفُؤَادَ» قلب و روح، «كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (مؤمنون/۳۶)

اینطور نیست که حالا گفت و ما شنیدیم. نباید بنشینیم. باید بلند شوی بروی. باید جلسه را به هم بزنی. حالا او گفت و ما هم شنیدیم. مگر می شود پای هر رادیویی نشست؟ مگر می شود پای هر اخباری نشست؟ اصلاً بعضی از کشورها نمی خواهند سر به تن جمهوری اسلامی باشد. دشمن ما هستند. دشمن ما... ما نمی گوئیم عیب نداریم. هزار و یک عیب داریم. اما اینکه می گوید غرضش اصلاح نیست. آن غرضش این است که مردم را مأیوس کند. نا امید کند. نظام را تضعیف کند. مردم را از چشم همدیگر بیاندازد. او دشمن ما است. خدایا به ما بصیرتی مرحمت کن که آبروی همدیگر را بدون جهت نریزیم.

«والسلام علیکم ورحمه ی الله و برکاته»